



An examination of the names of the characters in the novel "The Story of Hunger and Fullness" (Dilshad) by Bashar Khalfan

Mohammad nabi Ahmadi¹  & Ali mohammad Rezayi² 

1 Professor of Persian language and literature in University of Razi, Kermanshah, Iran. Email: mn.ahmadi217@yahoo.com

2 P.h.D. of Persian language and literature in University of Razi, Kermanshah, Iran. Email: alimohammad150@yahoo.com

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research Article</p> <p>Article history: Received 2025 Sept 06 Received in revised form 2025 Oct 20 Accepted 2025 Nov 20 Published online 2025 Dec 06</p> <p>Keywords: Character Naming, Symbolism, Narrative Structure, Bashar Khalfan, "The Story of Hunger and Fullness", Characterization.</p>	<p>This study examines the symbolic significance of character names in Bashar Khalfan's novel, "The Story of Hunger and Fullness" (also known as Sirah al-Jou' wa al-Shaba' or Dilshad). Character naming is a crucial narrative element, playing a decisive role in conveying concepts, representing identities, and shaping the plot. In Khalfan's novel, character names transcend mere labels, carrying rich cultural, social, and symbolic connotations that connect deeply with the historical and ethnic context. Employing a descriptive-analytical approach, this research investigates the names of the main and secondary characters, exploring the relationship between these names, their roles, and the overall narrative progression. Characters were selected based on their impact on advancing the plot, followed by an analysis of their names in relation to the novel's themes, social milieu, ethnic diversity, and the text's semantic layers. The findings reveal that the variety in names and the representation of ethnic diversity within the novel's depicted society have contributed to a rich tapestry of characters. Naming, therefore, functions as a narrative device to highlight diverse social identities and voices. Furthermore, the chosen names align with the actors' roles and the trajectory of narrative developments, enhancing the work's symbolic and semantic weight. Ultimately, this study addresses the question: What are the most significant symbolic functions of character names in Bashar Khalfan's "The Story of Hunger and Fullness," and how do they contribute to the novel's thematic depth and characterization?</p>

Cite this article: Ahmadi, M., & Rezayi, A., (2025)., An examination of the names of the characters in the novel "The Story of Hunger and Fullness" (Dilshad) by Bashar Khalfan. *Arabic Prose Studies*, 2 (4). 20-36. DOI: <https://doi.org/10.22091/npa.2026.13773.1042>



© The Author(s)
DOI: 10.22091/npa.2026.13773.1042

Publisher: University of Qom



دراسة أسماء الشخصيات في رواية "سيرة الجوع والشعب (دلشاد)" لبشرى خلفان

محمد نبي أحمدى^١ و علي محمد رضائي^٢

١ الكاتب المسؤول: أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة رازي في كرمانشاه، إيران، البريد الإلكتروني: mn.ahmadi217@yahoo.com

٢ طالب مرحلة الدكتوراه في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة رازي في كرمانشاه، إيران. البريد الإلكتروني: alimohammad150@yahoo.com

معلومات المقالة	الملخص
نوع المادة: مقالة محكمة	تُعَدُّ تسمية الشخصيات من العناصر الدالة والمهمة في البنية السردية للرواية، إذ يمكنها أن تلعب دورًا حاسمًا في نقل المفاهيم، وتمثيل الهويات، وتوجيه مجرى السرد. في رواية "سيرة الجوع والشعب" للكاتبة بشرى خلفان، تتجاوز أسماء الشخصيات كونها اختياريًا عشوائيًا لتصبح حاملة لدلالات ثقافية واجتماعية ورمزية، وبناء علاقة ذات مغزى مع السياق التاريخي والقومي للرواية. تستند هذه الدراسة إلى المنهج الوصفي - التحليلي في تحليل أسماء الشخصيات الرئيسية والثانوية في الرواية، وتسعى لتفسير العلاقة بين الأسماء، وأدوار الشخصيات، وتسلسل الأحداث السردية. ومن أجل ذلك، تم اختيار الشخصيات بناءً على مدى تأثيرها في سير الرواية، ثم تم تحليل أسماؤها وفقًا لموضوع الرواية، والبيئة الاجتماعية، والتنوع القومي، والطبقات الدلالية للنص. تشير نتائج الدراسة إلى أن تنوع الأسماء السمعية، وانعكاس تعدد القوميات في المجتمع السردية، أسهبا في تشكيل مجموعة واسعة ومتنوعة من الشخصيات، إذ تعتبر التسمية أداة سردية بارزة في إبراز الهويات والأصوات الاجتماعية المختلفة. كما يتوافق اختيار الأسماء مع أدوار الفاعلين في القصة ومسار تطور الأحداث السردية، مما يعزز الحمولة الرمزية والدلالية للعمل الروائي.
تاريخ الاستلام: ٠٦ سبتمبر ٢٠٢٥	
تاريخ المراجعة: ٢٠ أكتوبر ٢٠٢٥	
تاريخ القبول: ٢٠ نوفمبر ٢٠٢٥	
تاريخ النشر: ٠٦ ديسمبر ٢٠٢٥	
الكلمات الرئيسية:	تسمية الشخصيات، رواية "سيرة الجوع والشعب"، بشرى خلفان، أثر في اختيارها بوعي من قبل الكاتبة. تشكيل الشخصيات، الرمزية.

الاقباس: أحمدى، محمد نبي و رضائي، علي محمد. (١٤٠٤). «دراسة أسماء الشخصيات في رواية "سيرة الجوع والشعب" لبشرى خلفان». *بحوث في الشعر العربي*، ٢ (٤). صص: ٣٦-٢٠. <https://doi.org/10.22091/npa.2026.13773.1042>





بررسی نام شخصیت‌ها در رمان «سیرة الجوع والشبع» (دلشاد) بشری خلفان

محمدنبي احمدی^۱ و علی محمد رضایی^۲

۱ نویسنده مسئول؛ دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: mn.ahmadi217@yahoo.com

۲ دانشجوی دکتری، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: alimohammad150@yahoo.com

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>نام‌گذاری شخصیت‌ها یکی از عناصر معنادار در ساختار روایی رمان به شمار می‌آید و می‌تواند در انتقال مفاهیم، بازنمایی هویت‌ها و جهت‌دهی به روند روایت نقشی تعیین‌کننده داشته باشد. در رمان سیرة الجوع و الشبع (دلشاد) اثر بشری خلفان، نام شخصیت‌ها فراتر از یک انتخاب تصادفی، حامل دلالت‌های فرهنگی، اجتماعی و نمادین‌اند و با بافت تاریخی و قومیتی اثر پیوندی معنادار برقرار می‌کنند. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی — تحلیلی به بررسی نام شخصیت‌های اصلی و فرعی این رمان می‌پردازد و می‌کوشد نسبت میان نام‌ها، نقش شخصیت‌ها و زنجیره کلی رویدادهای روایی را تبیین کند. بدین منظور، ابتدا شخصیت‌ها بر اساس میزان تأثیرگذاری در پیشبرد روایت انتخاب شده، سپس نام‌های آنان در ارتباط با موضوع رمان، فضای اجتماعی، تنوع قومیتی و لایه‌های معنایی متن تحلیل شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تنوع شنیداری نام‌ها و بازتاب گوناگونی قومیت‌ها در جامعه روایی رمان، به شکل‌گیری طیفی متنوع از شخصیت‌ها انجامیده و نام‌گذاری به مثابه ابزاری روایی در برجسته‌سازی هویت‌ها و صدهای مختلف اجتماعی عمل کرده است. همچنین انتخاب نام‌ها با نقش‌کنش‌گران داستان و مسیر تحولات روایی همخوانی دارد و به تقویت بار نمادین و معنایی اثر یاری می‌رساند. این پژوهش در نهایت به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد که مهم‌ترین دلالت‌های نمادین نام شخصیت‌ها چیست و چه عواملی در انتخاب آگاهانه این نام‌ها از سوی نویسنده نقش داشته است.</p>	<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۲۸</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۹</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۱۵</p> <p>کلیدواژه‌ها: نام‌گذاری شخصیت‌ها، رمان سیرة الجوع و الشبع، بشری خلفان، شخصیت‌پردازی، نمادپردازی.</p>

استناد: احمدی، محمدنبي و رضایی، علی محمد. (۱۴۰۴). «بررسی نام شخصیت‌ها در رمان سیرة الجوع و الشبع (دلشاد) بشری خلفان». *شهر پژوهی عربی*، ۲ (۴). صص:

<https://doi.org/10.22091/mpa.2026.13773.1042>. ۳۶-۲۰



۱) مقدمه

نام‌گذاری شخصیت‌ها در رمان، یکی از مؤلفه‌های اساسی در شکل‌گیری معنا، بازنمایی هویت و پیشبرد روایت به شمار می‌آید و می‌تواند به‌عنوان نشانه‌ای زبانی، فرهنگی و نمادین در تبیین لایه‌های پنهان متن ایفای نقش کند. در رمان «سیره الجوع و الشبع» (دلشاد) اثر بشری خلفان، نام شخصیت‌ها صرفاً برچسب‌های هویتی نیستند، بلکه بخشی از نظام نشانه‌ای متن را تشکیل می‌دهند و با ساختار روایی، فضای اجتماعی و بستر تاریخی روایت پیوندی معنادار برقرار می‌کنند. از این‌رو، پژوهش حاضر می‌کوشد با تکیه بر رویکرد نشانه‌شناسی نام‌ها، ابعاد معنایی و کارکردهای روایی نام شخصیت‌های این رمان را بررسی کند.

رمان دلشاد با ساختاری منسجم و فصل‌هایی کوتاه، امکان حضور و کنش‌گری هم‌زمان شخصیت‌های متعدد را فراهم می‌سازد و به هر یک از آنان مجال بیان صدا و هویت خاص خود را می‌دهد. این تنوع شخصیتی، بازتابی از گوناگونی قومی، زبانی و فرهنگی جامعه مسقط در نیمه نخست قرن بیستم است؛ به گونه‌ای که نام‌ها حامل نشانه‌هایی از تداخل نژادها، تنوع زبانی و حافظه تاریخی و اسطوره‌ای این فضا هستند. در چنین بستری، انتخاب آگاهانه نام شخصیت‌ها با نقش آنان در روایت و زنجیره کلی رویدادها همسو شده و به تعمیق معنا و انسجام داستانی می‌انجامد.

از سوی دیگر، پیوند میان گرسنگی و سیری به‌مثابه دو قطب معنایی در عنوان رمان، در نام‌گذاری شخصیت‌ها نیز بازتاب می‌یابد و زمینه‌ساز شکل‌گیری دلالت‌های نمادین در سطح فردی و جمعی می‌شود. تفاوت آهنگ و لحن نام‌ها، به‌ویژه در میان شخصیت‌های عرب و بلوچ، به برجسته‌سازی چند صدایی متن کمک کرده و نام‌ها را به ابزارهایی برای بازنمایی رنج، بقا و سرنوشت اجتماعی شخصیت‌ها تبدیل می‌کند. بدین ترتیب، دلشاد فراتر از یک روایت فردی، به متنی معناگستر بدل می‌شود که در آن نام شخصیت‌ها از سطح داستان فراتر رفته و به نشانه‌هایی اجتماعی و فرهنگی در متن و فرامتن تبدیل می‌شوند.

اسامی شخصیت‌های رمان، سرشار از آمیختگی نژادها، علایق مردم، هرج و مرج زبان‌ها و احیای افسانه‌هایی است که در طول قرن‌ها با مسقط آمیخته شده‌اند. راوی، آگاهانه پنهان در پشت شخصیت‌های داستان‌هایش، با مهارت حرفه‌ای، قالب روایی را بر اساس سیستم روان‌شناختی و زمانی پیچیده‌ای به حرکت در می‌آورد و هیچ چیز را به شانس واگذار نمی‌کند. رمان بشری خلفان، سرنوشت شخصیت‌هایش را کنترل می‌کند و آنها را به سوی موفقیت یا نابودی می‌کشاند.

افزون بر آن، رابطه روایی تلخ بین شخصیت‌ها، گرسنگی و خنده در رمان "دلشاد" وجود دارد. ملودی‌های شخصیت‌های آن در زبان «عرب‌ها» و «بلوچ‌ها» متفاوت است. رمان "دلشاد" زندگی‌نامه‌ای پر از جزئیات است که قهرمانانش را به نماد و معنایی تبدیل می‌کند که در محدوده شخصیت‌ها ختم نمی‌شود و تا بستر جامعه امروزی گسترده می‌شوند.

۱-۱) پرسش‌های پژوهش

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به سؤالات زیر است:

۱- ریشه‌شناسی نام شخصیت‌های رمان دلشاد چیست و این نام‌ها چه تناسبی با نقش شخصیت‌ها و زنجیره کلی رویدادهای روایی دارند؟

- ۲- مهم‌ترین دلالت‌ها و کارکردهای نمادین نام شخصیت‌ها در این رمان کدام‌اند و عنوان سیره الجوع و الشبع چه نقشی در تبیین این نمادپردازی ایفا می‌کند؟
- ۳- چه عواملی باعث شده است تا نویسنده این نام‌ها را برای شخصیت‌های اصلی و فرعی رمان خود انتخاب کند؟

۱-۲) پیشینه پژوهش

در زمینه نشانه‌شناسی شخصیت در رمان، پژوهش‌هایی به زبان فارسی و عربی صورت گرفته است که مهم‌ترین آنها در زیر بیان شده است.

صباح عمیری (۲۰۱۵ - ۲۰۱۶م) در رساله کارشناسی ارشد «بنیة الشخصية في رواية "وليمة لأعشاب البحر لحيدر حيدر»، بیان کرده است که این رساله با تکیه بر رویکرد ساختاری، به ماهیت تعریف شخصیت و انواع آن، با استفاده از تکنیک‌های توصیف و تجزیه اشاره کرده و اسرار شخصیت‌های رمان را بررسی می‌کند.

سعیده بوداب (۲۰۱۵م) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد «سیمیائیة الشخصية في رواية إصرار لبو شعيب الساورى»، ذکر کرده است که شیوه این تحقیق مبتنی بر تحلیل اجتماعی و روانشناختی شخصیت است. این پژوهش به چگونگی تجسم شخصیت‌های رمان، انواع شخصیت‌ها، و حوزه‌های معنایی که شخصیت‌های داستانی در آن قرار می‌گیرند، می‌پردازد و ماهیت رابطه بین نام شخصیت‌ها و صفات و رفتار آنها، و کارکردهای آن در بافت روایی پرداخته است.

علی باقر طاهری‌نیا و همکاران (۱۳۹۵ش) در مقاله «سیمیائیة شخصية يوسف (ع) القرآنية: قراءة بنیویة سیموطیقیة»، به نشانه‌شناسی شخصیت یوسف در قرآن کریم می‌پردازد و مفاهیم و دلالت‌های نهفته شخصیت‌ها را آشکار می‌کند و ثابت می‌کند که بین نام یوسف و القاب و نقش‌های وی در داستان قرآنی انسجام وجود دارد.

علی اکبر مرادیان قبادی (۱۳۹۷ش) در «تحلیل نشانه‌شناختی شخصیت‌ها در حکایت ملك عمر نعمان»، متذکر شده است که این مقاله به بررسی نشانه‌شناسی شخصیت‌ها در یکی از حکایت‌های آن به عنوان «ملك عمر نعمان و فرزندانش "شركان و ضوء المكان" پرداخته، و وجوه تسمیه شخصیت‌های این حکایت و ارتباط آن‌ها را با روند حوادث و وقایع داستان بررسی کرده است.

نعیمه غفارپور صدیق و همکاران (۱۳۹۹ش) در مقاله «کارکرد نشانه‌شناختی نام‌ها در رمان الطريق نجیب محفوظ» اشاره کرده است که این مقاله با بررسی پیوند دال نام با مدلول صاحب نام در شخصیت‌های کلیدی رمان به نشانه‌شناسی اولیه این شخصیت‌ها می‌پردازد؛ سپس بر اساس ارتباط دال و مدلول در نشانه‌شناسی به تحلیل آنها می‌پردازد.

دلیل اصلی ما برای انتخاب شخصیت در رمان جهت تحلیل و بررسی این است که رمان ادبی در میان سایر هنرهای ادبی، به ویژه در عصر ما، جایگاه برجسته‌ای دارد؛ زیرا نویسندگان رمان قادر به درک و بیان مشکلات زندگی و درد انسان معاصر هستند تا آنجا که رمان به بازتابی مثبت از واقعیت جامعه تبدیل شده است؛ رمان از عناصر مختلفی تشکیل شده است که با یکدیگر تعامل دارند؛ از جمله این عناصر، «شخصیت» است که محرک اصلی رویدادهای رمان است و در گفتمان روایی نقش بسزایی دارد. ارزش این پژوهش از این جهت است که رمان «سیرة الجوع والشبع»، یک رمان جدید و برنده جایزه بوکر عربی در سال ۲۰۲۲ میلادی است. همچنین علاوه بر پرداختن به شخصیت‌ها، در مورد آداب و سنن و عقاید و افکار حاکم بر جامعه عمان سخن گفته است. از آنجا که در این رمان به شخصیت‌های برجسته آن از

کودکی تا بزرگ سالی پرداخته شده است و با توجه به اینکه برای بررسی نشانه‌های شخصیت هر فرد، گذشته فرد و شرایط زمانی و مکانی آن بسیار حائز اهمیت است. در زمینه رمان دلشاد و شخصیت‌های آن هیچ پژوهش، یا مقاله و پایان نامه ای انجام نشده است، پس پژوهش حاضر با رویکردی تازه به تحلیل این رمان می‌پردازد.

۲) چارچوب نظری

نام‌گذاری شخصیت‌ها، یکی از عناصر بنیادین در شکل‌گیری شخصیت‌پردازی و انسجام روایی در رمان به شمار می‌آید. در مطالعات ادبی، نام شخصیت‌ها نه تنها وسیله‌ای برای تمایز کنش‌گران روایت، بلکه عاملی مؤثر در بازنمایی هویت فردی، جایگاه اجتماعی و نقش روایی آنان محسوب می‌شود. قاضی عبد المنعم اعتقاد دارد که «شخصیت، عنصری است که در جریان حوادث داستان نقشی مثبت یا منفی ایفا می‌کند» (المیلادی، ۲۰۰۶: ۶۸). انتخاب آگاهانه نام‌ها می‌تواند به تقویت پیوند میان شخصیت، کنش و ساختار کلی روایت بینجامد و فهم خواننده از روابط درون‌متنی را جهت‌دهی کند.

در رمان سیره الجوع و الشبع (دلشاد) اثر بشری خلفان، نام شخصیت‌ها در ارتباط مستقیم با فضای تاریخی و اجتماعی روایت شکل گرفته‌اند و بازتاب‌دهنده تنوع قومی، زبانی و فرهنگی جامعه‌ای هستند که داستان در آن جریان دارد. از این منظر، نام‌ها حامل اطلاعاتی درباره خاستگاه اجتماعی، تعلق گروهی و گاه ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری شخصیت‌ها هستند و در پیشبرد روایت نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند.

بررسی نام شخصیت‌ها در این پژوهش بر این اصل استوار است که میان نام‌ها، نقش شخصیت‌ها و زنجیره رویدادهای داستانی رابطه‌ای معنادار برقرار است. نام‌گذاری در این رمان با مسیر تحول شخصیت‌ها هماهنگ بوده و در بسیاری موارد، سرنوشت و جایگاه آنان را در متن پیشاپیش تداعی می‌کند. همچنین عنوان رمان، یعنی سیره الجوع و الشبع، چارچوبی مفهومی برای درک این نام‌ها فراهم می‌سازد و موجب می‌شود نام شخصیت‌ها در پیوند با مفاهیمی چون فقر، بقا، رنج و زیست اجتماعی معنا یابند.

در مجموع، چارچوب نظری این پژوهش بر این دیدگاه استوار است که نام شخصیت‌ها در رمان دلشاد عنصری فعال در ساخت روایت و معناپردازی‌اند و بررسی آن‌ها امکان شناخت دقیق‌تری از ساختار شخصیتی، روابط اجتماعی و جهان روایی اثر فراهم می‌کند.

۲-۱) رمان «سیره الجوع و الشبع» دلشاد

رمان «سیره الجوع و الشبع»، از بشری خلفان، رمان‌نویس عمانی است (الربیع، ۲۰۲۲: ۶). این کتاب در فهرست نهایی جایزه بین‌المللی داستان عربی سال ۲۰۲۲، معروف به «جایزه بوکر عرب» قرار گرفت (العمانیة: ۲۰۲۲). داستان، حول محور شخصیت دلشاد و دخترش مریم و نوه‌اش فریده می‌چرخد. در این کتاب، به تاریخ عمان و وقایع بیش از صد سال پیش و واقعیت وجود و شکل‌گیری آن‌ها در این قسمت از مکان، در طول سه نسل از داستان می‌پردازد.

در این فرآیند، رشد شخصیت‌ها و تغییراتی که در طول زمان برای آنها رخ می‌دهد و اهمیت شرایط و تجربه زندگی در اصلاح و جاه‌طلبی آنها نقش دارد (بلال، ۲۰۲۲). رمان مزبور، داستانی فوق‌العاده دردناک، انقلابی، فراموش‌ناشدنی و برگرفته از واقعیت عمان در طول جنگ جهانی دوم است. جنگ جهانی دوم، «محوری» است که از طریق آن می‌توان رمان و زمان آن را مشاهده کرد (السلیمیة، ۲۰۲۴). وقایع رمان، سال‌ها قبل از جنگ آغاز و سال‌ها پس

از آن به پایان می‌رسد؛ اما جنگ و تأثیرات آن همان چیزی است که شخصیت‌ها را بالغ کرده و جهان‌شمولی رمان را ایجاد کرده است (همان).

۳) بررسی و تحلیل نام شخصیت‌ها در رمان «سیره الجوع و الشبع» (دلشاد)

در رمان سیره الجوع و الشبع (دلشاد)، نام شخصیت‌ها نقش مهمی در شکل‌گیری هویت روایی و اجتماعی آنان ایفا می‌کنند. بشری خلفان با انتخاب آگاهانه نام‌ها، شبکه‌ای از معناها را می‌آفریند که با فضای تاریخی، تنوع قومیتی و روابط اجتماعی حاکم بر متن همخوانی دارد. در این بخش، نام شخصیت‌ها با توجه به جایگاه روایی، نقش کنش‌گرانه و پیوند آن‌ها با مسیر کلی رویدادها بررسی می‌شود.

۳-۱) نام شخصیت‌ها و بازتاب تنوع اجتماعی

یکی از ویژگی‌های برجسته رمان، تنوع نام شخصیت‌ها از نظر خاستگاه زبانی و فرهنگی است. این تنوع، بازتاب‌دهنده جامعه‌ای چندقومیتی است که در آن عرب‌ها، بلوچ‌ها و گروه‌های دیگر در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. نام‌ها در این رمان، اغلب نشانه‌هایی از تعلق قومی و اجتماعی شخصیت‌ها را با خود حمل می‌کنند و به خواننده در تشخیص جایگاه آن‌ها در ساختار اجتماعی روایت یاری می‌رسانند.

چنین تنوعی در نام‌گذاری، موجب شکل‌گیری چندصدایی در متن شده و از یک‌دستی زبانی و شخصیتی جلوگیری می‌کند. هر نام، صدایی مستقل را نمایندگی می‌کند که در مجموع، تصویری جامع از جامعه روایت شده ارائه می‌دهد. بدین ترتیب، نام‌ها نه تنها به شخصیت‌پردازی فردی کمک می‌کنند، بلکه در ترسیم فضای اجتماعی رمان نیز نقش دارند.

۳-۲) تناسب نام شخصیت‌ها با نقش روایی

بررسی نام شخصیت‌های فرعی نیز نشان می‌دهد که انتخاب نام‌ها با نقش آن‌ها در پیشبرد روایت همسو است. شخصیت‌هایی که درگیر فقر، رنج و گرسنگی‌اند، اغلب نام‌هایی ساده و برگرفته از فضای بومی دارند که با زیست‌روزمره و واقعیت اجتماعی آنان هماهنگ است. این سادگی نام‌ها، به واقع‌نمایی روایت کمک کرده و فاصله میان متن و زندگی اجتماعی را کاهش می‌دهد.

در مجموع، نام شخصیت‌ها در رمان دلشاد به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که با مسیر تحولات داستانی و روابط میان شخصیت‌ها همخوانی دارند و درک خواننده از کنش‌ها و سرنوشت شخصیت‌ها را تسهیل می‌کنند. مجدی وهبه شخصیت را «یکی از افراد خیالی یا واقعی دانسته که حوادث داستان یا نمایشنامه درباره وی اتفاق می‌افتد» (۱۹۷۴: ۶۵). سامیه احمد آن را شخصیتی خیالی می‌داند که در اثری دراماتیک نقش ایفا می‌کند (احمد، ۱۹۸۸: ۱۱۵). قسیمون آن را «موجودی بشری که معیارهای گوناگون تجسم یافته و یا شخصیتی خیالی که در تحول حوادث داستان نقش دارد» می‌داند (قسیمون، ۲۰۰۰: ۱۹۶). فرحان نام دیگر دلشاد است که به زبان بلوچی یعنی کسی که همیشه شاد و خندان است. پدر فرحان قبل از تولدش فوت کرد و مادرش در شش سالگی از دنیا رفت، از این رو او با عیسی، حسین و نوریه توسط «ما حلیمه» بلوچی بزرگ شد (خلفان، ۲۰۲۲: ۳). فقر و ویژگی غالب آن دوره در عمان بود. پس از مدتی ما حلیمه دو پسر خود حسین و نوریه را بر اثر و با از دست داد (همان: ۱۲). او ماند با عیسی و دلشاد. خنده‌های دلشاد و حتی نام او در رمان

اتفاقی نیست: «حلفت آمی آئی خرجتُ من رحمها وأنا أضحك، أنها أسمتني فرحان كي أعاكس شؤم ولادتي لأب ملعون، قتله العطش وهو يبحث عن حبله السري تحت سمره مشؤومة في سبخ المالح. ولدتُ داخل خيمة على الضفة الشرقية لحافة الوادي الكبير، وكبرتُ في ظل خيمة أخرى على الضفة الغربية منه. تسابقتُ مع عيسى وحسين ونورية على خيول مصنوعة من كرب النخيل، وأطلقتُ صيحاتي العالية، بلغة هي خليط من كلمات الطفولة ولعنات الكبير وشتائم أمهاتنا» (همان: ۳).

می‌توان گفت که به جنبه‌ای مربوط به زندگی سخت و فقری که خانواده‌های عمانی در آن دوره زندگی می‌کردند، تعصب دارد. می‌گوید: «خلال السنوات التي تلت، كبر عيسى وحسين نورية، والتحق أخي غلام بجيش السلطان فيصل، ثم وصلنا خبر مقتله في حرب في الباطنة، وأصببتُ آمي بالعمى من طول بكائها عليه» (همان: ۱۹۰).

«ما حلیمه» با بازگشت مریم دختر دلشاد، ابتدا او را بزرگ کرد، اما مادر فوت کرد، بنابراین دختر جوان نزد پدر فقیرش ماند، اما به دلیل نیاز شدید و پس از نابینایی موقت، او را به خانه عبداللطیف لومه، تاجر مرفه برای «خدمت به زندگی» (همان: ۱۵۷) و زندگی با زنان فرستاد، اما عبداللطیف با او ازدواج می‌کند و یک فرزند به دنیا می‌آورد. او پس از تبدیل شدن به بانوی تاجدار خانه، مدتی از زندگی گرسنه به زندگی سیری می‌رود. جنگ جهانی دوم بر طبل خود می‌کوبد و خلفان از این طریق خواننده را با شخصیت‌ها درهم می‌پیچد و در فضای سلطنت در آن دوره از نظر اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و حتی نظامی قرار می‌دهد: «جاء علی لسان "عبد اللطيف لوماه": صرتُ أرى البؤس في كل مكان، ومنذ أشهر وراديو قهوة الشمخي يصيح بأن العالم يحتشد لأجل حرب جديدة، أيّ بؤس أكثر من هذا سيأتي به الحرب؟» (همان: ۲۴۵).

عبداللطیف قربانی بمباران کشتی‌های تجاری آلمانی بود که در طول جنگ جهانی دوم به سلطان‌نشین می‌آمدند. فریده می‌گوید: «من سطح البيت رأينا الدخان يتصاعد مع البحر، قالت آمي "وصلت الحرب مسقط"، صرخت عمتي "ويلي يا عبد اللطيف"، سمعت من الصفة تعالي بكاء فضل ونجمة، أما أنا فنزلت الدرج بسرعة أقفز، خرجت ركضاً من البيت دون نعال، أمي تصرخ بعساكر وسخي أن يلحقا بي، وقفنا عند الفرصة، فوجدنا سفينة كبيرة تحترق في وسط الماء، بحثت عن أبي على الرصيف لكنني لم أجده، هو هنا في مكان ما، أعرف ذلك، لكنني لا أراه» (همان: ۳۲۲).

شخصیت‌های رمان به دقت مورد مطالعه قرار گرفتند، در رمان همه شخصیت‌ها، ضروری، مهم و در خدمت کار هستند. پدید و ناپدید شدن هر شخصیت در داستان منطقی است، با اینکه به نظر می‌رسد او کمی از دلشاد غافل شده است. اگرچه این رمان نام دلشاد قهرمان مورد انتظار خود را یدک می‌کشد، اما قهرمان در این رمان، چیزی نیست جز ترفند راوی آگاه، برای همراه ساختن خواننده با فقر و گرسنگی حاکم بر شخصیت‌ها و مکان‌های رمان (ولجات، لوگان (لوغان)، حرات الشمال، مسقط و مطرح). بو شرا خلفان، با هوش و ذکاوت فراوان به جزئیات شخصیت‌ها توجه می‌کند. تکرار نشدن رمان به دقت و هوش زیادی نیاز دارد؛ زیرا شخصیت‌های درهم تنیده هستند، روایت‌هایی از رویدادهای مشابه را رد و بدل می‌کنند که هر کدام به شیوه‌ی خود با توجه به میل، رویاها و ترس‌های شخصیت‌ها هستند. رمان به صورت تابلو نوشته شده است. هر شخصیت از پانل‌های زیادی تشکیل شده است (النعیمی، ۲۰۰۹: ۱۲).

در دلشاد یکی پس از دیگری پانل‌ها در قالب‌های مختلف با توجه به پیشرفت ساختار شخصیت از صفر تا اوج و نزول تکرار می‌شوند. شخصیت اصلی و تلافی آن با بقیه شخصیت‌ها بدون مشکل است و این باعث می‌شود که سرنوشت شخصیت‌ها گاهی به هم نزدیک و زمانی از هم جدا شوند.

سه مشاهده درباره نام‌های شخصیت‌های این رمان وجود دارد: اول اینکه ممکن است برخی از شخصیت‌ها جنبه تخیلی در رمان داشته باشند. شخصیتی مانند عبداللطیف لومه که از راه همکاری با انگلیسی‌ها ثروت زیادی به دست آورد. مشاهده دوم این است که رمان می‌خواهد درباره بلوچ‌ها و عرب‌ها صحبت کند و زندگینامه‌ای از رابطه مشترک آنها ارائه کند، اما نویسنده به کلیات اکتفا می‌کند.

مشاهده سوم تعدد صداهای شخصیت‌ها در ساختار روایی رمان است. در این ویژگی نویسنده فضاهایی را ایجاد می‌کند که در آن شخصیت‌ها در درون، خودگفتاری یا گفتگوی عمیق با خود صحبت می‌کنند (بنکدار، ۲۰۰۳: ۳۲).
زمان‌ها در درون طرح رمان تلافی می‌کنند که شاهد ظهور شخصیت‌ها و غیبت دیگران است، اما رشته‌های همه این شخصیت‌ها و زمان‌ها توسط دلشاد شخصیت اصلی رمان به هم پیوند می‌خورد. رمان دلشاد می‌تواند بی‌نهایت ادامه داشته باشد، زمان‌ها و شخصیت‌هایش را باز تولید کند، روایت را از شخصیتی به شخصیت دیگر منتقل کند. در راستای سبک رمان چندصدایی (همان: ۴۵).

روایت در متن توسط گروه بزرگی از روایان به تناوب بین دلشاد، ما حلیمه، عیسی عبد رسول، مریم دلشاد، عبداللطیف لومه، ماموزی، خواهر فردوس عبداللطیف لومه، روایت می‌شود. بیشتر رمان حول محور شخصیت دلشاد و تبارش، «دخترش مریم و نوه‌اش فریده» می‌چرخد، جایی که صدای دلشاد از میان زندگی دردناکش، بیرون می‌آید. بانگ گر سنگی، تحقیر، فقر، بیماری، و در طرف دیگر صدا، این قشر مرفه جامعه هستند. نام دلشاد به معنای دلی شاد، «دل شاد» یا «خوشدل» است در تضاد دردناک با سبک زندگی نکبت بار اوست (خلفان، ۲۰۲۲: ۴). این نام تداعی‌کننده شادی، آرامش و رضایت درونی است. اما در بخش نقل شده، دلشاد در شش سالگی مرگ مادرش را می‌بیند: «کنت ابن ست سنوات ربا عندما وجدت أمی میتة» (همان: ۱۱). این تجربه تلخ و مواجهه با مرگ مادر، نقطه‌ای کاملاً متضاد با معنای نام اوست. آنچه که نامش وعده می‌دهد (شادی و دلخوشی) در واقعیت زندگی او نقض می‌شود و «خندهی تلخ» او نمادی از این تضاد است. این تضاد میان نام و تجربه نشان می‌دهد که نویسنده از نام شخصیت برای ایجاد بار نمادین و تأکید بر تراژدی زندگی او استفاده کرده است. نام دلشاد، که به طور طبیعی با خوشحالی و اطمینان درونی همراه است، در متن رمان با واقعیت تلخ مواجهه می‌کند و همین امر به شکل‌گیری هویت پیچیده و چندلایه شخصیت کمک می‌کند. خنده تلخ او، نتیجه آشفتگی و ناهماهنگی میان انتظار معنا (شاد بودن دلشاد) و تجربه واقعی زندگی (غم و فقدان) است. بنابراین، نام دلشاد نه تنها یک برجسب ساده نیست، بلکه ابزاری نمادین است برای برجسته کردن تضاد میان آرزوها و واقعیت، شادی و اندوه، و نشان دادن تأثیر تجربه‌های تلخ اولیه بر شکل‌گیری روان و شخصیت او.

۳-۳) شخصیت زنان

فقر به عنوان یکی از ویژگی‌های نزدیک وجود زنان در رمان است. در گذشته وجود برده داری، بردگان زن و مرد و اختلاف طبقاتی در ابتدای شکل‌گیری شهر، امری طبیعی بود. این رمان تجسم تاریخ یک شهر و تاریخ طبقاتی بود که در آن شکل می‌گرفت و واقعیت زنان را با بیش از چند شکل از زن‌ها زیر نظر داشت: مادر بودن: ما حلیمه، ماموزی، زن فقیر

و زیبا: مریم، زن مجلل: فردوس، جایی که نویسنده به اعماق این دومی پرداخت تا توجیحات ظلم او، خشکسالی عاطفی را که زندگی او را تحت تأثیر قرار داد، برجسته کند.

نوعی دیگر از زنان، شکل محرومیت از معشوق است که ساختاری پیچیده و نفرت‌انگیز را نسبت به دیگران منعکس می‌کند، ظلمی که به مریم و فریده توسط برخی مردان انجام می‌شد. ربطی به ثروت نداشت بلکه مربوط به محرومیت از عشق بود. زبان رمان و قتی از زن‌ها صحبت می‌کند، زبانی منسجم‌تر است و با سبکی روایی پرتلاطم که یکنواختی را از طریق صدای چندگانه راویان در هم شکسته است. در هر فصل صدای یک شخصیت زن مرکزی یا حتی فرعی را می‌شنویم. بعضی از آنها اتفاقات رایج را از دیدگاه خود روایت می‌کنند، سپس جزئیات دیگری را اضافه می‌کنند که باز فقط خودشان هستند. فقر شخصیتی اصلی در رمان است، فقری که شخصیت‌های زن رمان را گاهی به سوی مرگ می‌برد یا به سوی تجربه دیگری از گرسنگی (خلفان، ۲۰۲۲: ۱۵۹-۱۶۰).

فقر یکی از ویژگی‌های محوری زندگی زنان در رمان است و نویسنده با بازنمایی انواع زنان از زن فقیر و زیبا گرفته تا زن مجلل و مادر بودن، تصویر تاریخی و طبقاتی جامعه را به نمایش می‌گذارد. برخی شخصیت‌ها تحت تأثیر خشکسالی عاطفی و محرومیت از عشق قرار می‌گیرند و این محرومیت، نه تنها ناشی از ثروت یا فقر، بلکه ریشه در روابط انسانی دارد. زبان رمان با تمرکز بر زن‌ها، پرتلاطم و چند صدایی است؛ هر فصل صدای یک شخصیت زن را منعکس می‌کند و تجربه‌های متفاوت آن‌ها را از زندگی و فقر نشان می‌دهد. فقر در رمان نه تنها یک ویژگی اجتماعی، بلکه عاملی است که زندگی شخصیت‌های زن را به سوی مرگ یا تجربه‌های عمیق دیگری از گرسنگی و محرومیت هدایت می‌کند.

تقریباً می‌توانم چهره دلشاد را بینم که از درد گرسنگی و از دست دادن عشق می‌خندد: «لأعرف ما الذی هیج الضحكة اللعينة اليوم» (همان: ۱۴۶). زوایای دید درونی و بیرونی متعددی در شخصیت‌ها وجود دارد (جمیله، ۲۰۰۰: ۱۹۵-۲۰۹) در عین حال تداوم رویدادها از شخصیتی به شخصیت دیگر در جریان است. مثلاً اگر صحنه دلشاد را در زمان خاکسپاری همسرش در نظر گرفته شود، دو شخصیت این صحنه را روایت می‌کنند و هر خواننده باهوشی می‌تواند تفاوت بین پاره‌گفته‌های عیسی و دلشاد را بفهمد. عیسی به عنوان برادر دلشاد صحبت می‌کند. بین عیسی و مرحوم نورجیهان، فاصله روانی وجود دارد، در اینجا احساسات عیسی نسبت به دلشاد بود نه نورجیهان، در حالی که احساسات دلشاد نسبت به نورجیهان و دختر کوچکش بود (همان: ۴۴-۴۵).

خواننده فکر می‌کند که اضافه، اضافه حرکت است، اما اضافه در اینجا یک اضافه احساسی است. ژرار ژنت «در باره موقعیت روایی سه موقعیت را برمی‌شمرد که اولی رمان سرایی فردی، دومی رمان سرایی تکراری و سومی رمان سرایی تالیفی است» (القاضی، ۲۰۱۰: ۱۲۲).

نوع اول آن چیزی است که در رمان دلشاد می‌بینیم. در رمان: «آنچه یک بار در رمان اتفاق افتاده است، بیش از یک بار در یک گفتار روایت می‌شود (همان: ۱۲۲).

اثر بخشی این ویژگی ناشی از تعدد شخصیت‌های رمان، زبان‌ها، مکان‌های ناشی از آن است، به طوری که رمان بیش از یک بار و از زوایای مختلف روایت می‌شود. شخصیت‌های رمان به زبان خودشان از خودشان روایت می‌کنند.

مثلاً گفتمان توسط شخصیت ما مویدی در پذیرایی دلشاد و دختر کوچکش در اولین حضور این شخصیت با این جمله کلیدی بود: «دختر دلشاد بزرگ شد» و آنچه می‌ترسیدم اتفاق افتاد (خلفان، ۲۰۲۲: ۱۳۱-۱۳۲).

پس می‌توان اذعان کرد موضوعی که مایه ترس او بود به مریم ارتباطی ندارد، بلکه به فردوس و عبداللطیف و آن خانه‌ای را که در آن کار می‌کند، ربط دارد. در ابتدا این چنین می‌نماید که شخصی اصلی رمان دلشاد است، ولی بقیه شخصیت‌ها هم قهرمان هستند. همه آن‌ها نیز سابقه گرسنگی و زندگی فلاکت‌بار در چادرها را دارند، توالی زندگی شخصیت‌ها با توجه به شرایط شان در داستان می‌تواند متفاوت باشد (الأسلم، ۲۰۰۶: ۶)، گاهی عشق در فقر، مانند عشق دلشاد به نورجهان و عشق عبداللطیف لوماه به مریم دلشاد.

۳-۴) شخصیت گرسنگی

شخصیت «گرسنگی» در رمان، فراتر از یک نیاز فیزیکی، به نمادی از ثبات و توقف در زمان و فرهنگ تبدیل می‌شود. خلفان با بیان این که «همه چیز سر جای خودش است... انگار زمانی که همه جا سپری شده در مسقط توقف کرده و چیزی در آن تغییر نکرده است» (خلفان، ۲۰۲۲: ۴۴۹). این نشان می‌دهد که گرسنگی و سیری در جهان رمان، نه تنها حالت‌های مادی، بلکه بخشی از تجربه‌ای دائمی و پایدار شخصیت‌ها هستند. این مفهوم، با پرسش «هل مازالت تعرفنی حقاً، أم سقط علی حجاب النسیان؟» همراه می‌شود، که حس فراموشی، فاصله و تداوم گرسنگی در زندگی انسان‌ها را بازتاب می‌دهد. به عبارت دیگر، گرسنگی در رمان جلوه‌ای از ثبات فرهنگی و تاریخی است؛ با وجود تغییرات ظاهری در شخصیت‌ها یا محیط، این تجربه همیشگی، نقطه اتکایی برای روایت و تأمل در شرایط انسانی فراهم می‌کند. گرسنگی به‌عنوان یک عنصر ثابت، رابطه شخصیت‌ها با گذشته، هویت و محیط را شکل می‌دهد و تداوم زندگی در برابر تغییرات اجتماعی و شخصیتی را نشان می‌دهد.

آنچه یک خواننده را جذب می‌کند، تنوع فرهنگی شخصیت‌ها است که با وجود پابندی به آداب و سنن خود را تغییر می‌دهد؛ اما این تغییر در مکان و خود شخصیت‌ها نیست. خلفان می‌گوید: «همه چیز سر جای خودش است، همه چیز، انگار زمانی که همه جا سپری شده در مسقط توقف کرده و چیزی در آن جا تغییر نکرده است» (همان) گرسنگی و سیری ثابت است. رمان چگونه گرسنگی را شخصیت انسانی می‌دهد و به تصویر می‌کشد، در این رمان، گرسنگی بسان یک شخص و به شکل‌های گوناگون دیده می‌شود. که بارزترین آن‌ها گرسنگی برای خوردن و نوشیدن است که عمیق‌ترین آن، گرسنگی برای امنیت و عشق است، گرسنگی خانواده و گرسنگی برای سفر است. گرسنگی برای کودکان، برای زنان، برای دانش و گرسنگی برای شادی. گاهی گرسنگی خلأ بزرگی است که در درون یک شخص قرار دارد: شکم، قلب، ذهن و روح او (حمدان، ۲۰۱۱: ۱۱). به محض اینکه یکی از گرسنگی‌هایش را سیر کرد، گرسنگی دیگری به او حمله می‌کند، در یک توالی گرسنگی و سیری. دلشاد می‌گوید: «كنت قد بدأت أشبع وأنا أكل مع البحارة، أما الأكل مع الشيخ وابنه فقد أعادني إلى الجوع، ولكن ليس ذلك الجوع الذي ينهش البطن، بل الجوع الذي يأكل القلب» (خلفان، ۲۰۲۲: ۱۲۲). ترجمه: «وقتی با ملوانان غذا می‌خوردم احساس سیری می‌کردم، اما غذا خوردن با شیخ و پسرش مرا به گرسنگی بازگرداند، اما نه گرسنگی که شکم را می‌جود، بلکه گرسنگی که قلب را می‌بلعد.»

م‌سعودی در این باره می‌گوید: «الرواية طَبَّعت الجوع، وجعلته الحالة الطبيعية التي لا تستدعي الرفض أو النظر إليه بصفته شيئاً غير مستحق وينبغي تصحيحه، وإنما كان طوال الوقت هو الشيء الطبيعي والبدهي». و خلفان پاسخ می‌دهد: «الجوع في زمن الرواية كان سائداً حتى اعتاده الناس، فهم ما بين جوع شديد أو جوع أقل، ولم يكن هناك مكان للشبع»، إلا لمن كان حظه وافراً، و نال نصيباً من حياة الأغنياء. ولكن حتى في هذه الحال، كان هناك جوع على الدوام، الجوع الذي يبدل أحواله، ويغيّر مادته و موضوعه؛ ترجمه: «این رمان گرسنگی را عادی کرد و آن را به حالتی طبیعی تبدیل کرد که امری طبیعی بود. به نقل از نویسنده رمان: «گرسنگی در زمان رمان به قدری شایع بود که مردم به آن عادت کردند، بین گرسنگی شدید یا گرسنگی کمتر، جای انتخاب نداشتند، مگر کسانی که خوش شانس بودند و سهمی در زندگی ثروتمندان داشت.»

مریم دلشاد می‌گوید: «أحدث الشبع جوعاً آخر، جوعاً لا أستطيع فهمه، وبقي الخواء على حاله، كاملاً ومستديراً وفارغاً، ولم يكن ليماً مكانه إلا الجنين في بطني، والآن وما إن خرجت الطفلة من رحمي حتى امتلأت بالخواء ثانية، الخواء الذي لا يملؤه إلا حضور أبي أو الجوع» (همان: ۲۱۹). ترجمه: «سیری گرسنگی دیگری ایجاد کرد، گرسنگی که من نمی‌توانم آن را درک کنم، و پوچی همان طور که بود، کامل، گرد و خالی ماند و هیچکس جای آن را پر نمی‌کرد، جز جنین در شکم من، و حالا به محض اینکه بچه از شکم بیرون آمد، دوباره پر از پوچی شدم، خلأیی که فقط با حضور یا گرسنگی پدرم پر می‌شود.»

گرسنگی در رمان دلشاد فقط مربوط به فقر نیست، بلکه یک گرسنگی عمومی به معنای رایج اقتصادی است که در آن ثروتمندان جایی بین گرسنگی یا ترس از گرسنگی هستند. اگر دلشاد و دخترش مریم و نوه‌اش فریده به صورت یک توالی خطی در زمان به حساب آیند، تغییر تدریجی در آنها آشکار می‌گردد که با مقاومت در برابر گرسنگی از طریق خنده که برای مدتی گرسنگی را برطرف می‌کند. (السليمية، ۲۰۲۴ م).

۳-۵) شخصیت مریم دلشاد

خلفان می‌گوید: «رمان عامه پسند یکی از راه‌های نزدیک شدن به فرهنگی است که هر جامعه و سرچشمه‌هایش آن را می‌سازد و بازتاب بینش جامعه از خود، ارزش ذاتی و مهم‌ترین ویژگی‌های تشکیل‌دهنده آن است: «الأمومة ليست فقط في دورها أو صورتها البيولوجية بل في إحالاتها التجديرية وإسقاطاتها على العلاقة بالوطن وبالثقافة الأصلية المكونة للشعوب. وإنما، الذين يتوقون إلى حنان الأم» (العمانية: ۲۰۲۲).

این رمان علاوه بر تأثیرات جسمی گرسنگی، از تأثیرات روانی آن بر شخصیت‌های زن می‌گوید. مریم دلشاد در جایی از رمان می‌گوید: «إن الجوع مثل المرض يبقى في الدم، ربما تحتفي أعراض الجوع لكنه يبقى بمدلولاته النفسية كما ننا وعميقاً، وداخل سرداب الجوع ذلك تتكون الكثير من الخصائص المجتمعية الناتجة عن الندرة والصراع على البقاء وما تفرزه من طبقات، بل والكثير من الأمراض التي تحتاج إلى عقود طويلة من الشبع حتى تشفى» (همان). خلفان می‌گوید: «ظلم نسبت به زنان در روان انسان و در همه جوامع وجود دارد، حتی اگر اشکال و علل آن متفاوت باشد» (همان).

۳-۶) شخصیت مریم دلشاد

در رمان «سیره الجوع والشبع» بشری خلفان، شخصیت‌های فرعی نقش مهمی در بازنمایی تنوع تجربه‌های زنان و تضادهای اجتماعی و انسانی ایفا می‌کنند. این شخصیت‌ها با وجود جایگاه فرعی خود، به عمق روایت و تصویر جامع جامعه کمک می‌کنند و جلوه‌های مختلف فقر، محرومیت و محدودیت‌های عاطفی و اجتماعی را نمایش می‌دهند.

از جمله این شخصیت‌ها، مریم است؛ نام او نه تنها نشانه‌ای فردی، بلکه حامل بار فرهنگی و دینی خاصی است. انتخاب نام «مریم» یادآور پاکی، ایمان و فداکاری در فرهنگ اسلامی و مسیحی است، اما در بستر رمان، نویسنده با این نام به نوعی تضاد میان معنای نمادین آن و تجربه‌های تلخ و پیچیده زندگی شخصیت اشاره می‌کند. از این رو، تحلیل جایگاه و معنای نام مریم، راه را برای درک عمیق‌تر از چگونگی شکل‌گیری هویت زنان در جهان داستانی خلفان و نگاه انتقادی او به سنت و جامعه هموار می‌سازد. زنی فقیر و زیبا که تحت فشارهای اقتصادی و اجتماعی قرار دارد و تجربه او نشان‌دهنده تأثیر نابرابری و محرومیت بر زندگی زنان است. روابط مریم با دیگر شخصیت‌ها، به ویژه عبداللطیف، فراتر از تفاوت‌های مالی است و محرومیت از عشق و تعلق را نیز نمایان می‌کند. مشابه او، فریده نیز نمونه‌ای از زنانی است که محرومیت عاطفی و فقدان محبت زندگی آن‌ها را شکل می‌دهد و تجربه‌های متفاوت زنان از فقر را به تصویر می‌کشد. در کنار این شخصیت‌ها، حلیمه و ماموزی نقش زنانی را ایفا می‌کنند که مادر بودن و مسئولیت‌های اجتماعی و خانوادگی آنان تجربه‌های نسلی و انتقال ارزش‌ها را برجسته می‌کند. این شخصیت‌ها نشان می‌دهند که زندگی زنان محدود به خواسته‌ها و آرزوهای فردی نیست، بلکه تحت تأثیر نقش‌های اجتماعی و فرهنگی نیز قرار دارد.

از سوی دیگر، فردوس به عنوان زن مجلل و برخوردار از ثروت و موقعیت اجتماعی، تضاد میان ظاهر زندگی و واقعیت درونی را نشان می‌دهد. خشکسالی عاطفی و محدودیت‌های روانی او با رفاه مادی‌اش در تضاد است و همین موضوع، نقد اجتماعی و روانشناختی رمان را تقویت می‌کند. به طور کلی، شخصیت‌های فرعی رمان «سیره الجوع و الشبع» نه تنها جلوه‌های متنوع فرهنگی و طبقاتی زنان را بازتاب می‌دهند؛ بلکه به شکل‌دهی روایت چندصدایی و پرتنش کمک می‌کنند. آن‌ها تجربه‌های مختلف گرسنگی و سیری، هم به معنای مادی و هم نمادین را بازتاب می‌دهند و به خواننده تصویری چند لایه و جامع از زندگی زنان در جامعه ارائه می‌کنند. این تحلیل نشان می‌دهد که حتی شخصیت‌های فرعی، در تعمیق موضوعات اصلی رمان و برجسته‌سازی تضادهای انسانی و اجتماعی نقشی محوری دارند. شخصیت‌های فرعی در رمان «سیره الجوع و الشبع» نقش‌های متنوعی ایفا می‌کنند و هر یک جلوه‌ای از تجربه‌های انسانی و اجتماعی زنان را بازتاب می‌دهند. از فقر و محرومیت مادی و عاطفی گرفته تا ثروت و قدرت، این شخصیت‌ها کمک می‌کنند تا تنوع فرهنگی، طبقاتی و روانشناختی زنان در روایت به شکل کامل و چندلایه ارائه شود. حضور آن‌ها همچنین به ایجاد روایت چند صدایی و پرتنش، و تأکید بر گرسنگی و سیری به عنوان عناصر پایدار در زندگی انسان‌ها کمک می‌کند. زمانی که وارد دنیای داستان می‌شویم، شخصیت‌های یک داستان را از مهم‌ترین عناصر وجودی و مهم‌ترین عنصر منتقل‌کننده تم داستان و عامل مهم طرح داستان می‌بینیم (بحراوی، ۲۰۰۹: ۲۶۵). می‌توان گفت شخصیت، «کلیدی‌ترین عنصر داستان محسوب می‌شود که تمامیت داستان بر محور آن می‌چرخد و دگرگونی حوادث، جدال‌ها، طرح، توطئه و سایر عوامل همه در اثر دگرگونی شخصیت شکل می‌گیرد» (براهنی، ۱۳۷۱: ۲۴۳).

شخصیت فردوس در ظاهر پول داشت، اما هسته اصلی شخصیت آن فقر عاطفی و ظلم محله‌های مسقط بود. سطح شخصیت آن گر سنگی بود و هسته اصلی آن فقدان امنیت بود (خلفان، ۲۰۲۲: ۳۹۸). دلشاد، شخصیت اصلی در رمان است، اما به عنوان یک قهرمان ظاهر نمی‌شود، شخصیتی که رمان او را از یک فرد واحد تبدیل به دودمان آدم‌ها می‌کند، به ویژه از طریق شخصیت‌های زن داستان، شخصیت دلشاد برتری می‌یابد. دلشاد در محله فقیرنشین بلوچ مسقط، بزرگ می‌شود. خلفان می‌توانست به جای دلشاد نام رمان را «مریم دلشاد» بگذارد؛ زیرا شخصیت مریم دلشاد به شدت حضور دارد و رمان با اقامت او در مطرح به پایان می‌رسد. اما در اینجا، نویسنده دلیل انتخاب دلشاد را توضیح می‌دهد که «دلشاد یک شخص در رمان است، اما او یک اصل و نسب در عنوان است و ویژگی‌هایش از نسلی از زنان منتقل می‌شود، زنان باهوش و صبور که با خنده‌ای بلند با زندگی و دردهای آن سروکار دارند» (همان: ۴۰۲).

دریا به عنوان یک نماد در انتخاب اسامی شخصیت‌ها سهمیم بوده است: «دریا مفاهیم متعدد و شاید متناقضی دارد. دریا غیبت است و فرصت، ماجراجویی و چالشی است که در درون آن نهفته است و دگرگونی‌های زمان و مکان است». همچنین در مورد سمبولیسم خنده در رمان می‌گوید: خنده‌ای که مریم از پدرش دلشاد و فریده از مادرش مریم به ارث برده‌اند، بازگشتی به نهایت درد و سردرگمی هستند، ابزاری هستند برای برخورد با بدبختی در اشکال مختلف آن و راهی است برای مقابله با مرگ، فقدان، اندوه، بدبختی و پوچی (العمانیة، ۲۰۲۲).

رمان شخصیت‌های زیادی دارد که به نوعی درهم تنیده هستند. قاسم شخصیتی است که خودش را شایسته‌تر از پدر برای زیارت می‌داند: «من صلح للسفر إلى النجف الأشرف والعودة بالعلم» (خلفان، ۲۰۲۲: ۴۶۹)

«أعرف أني الأكثر استحقاقاً، ليس لأنني مساعد أبي، المعلم، أول والأكثر احتراماً في مطرح فقط» (همان: ۴۶۹)؛ زیرا خود را حافظ احادیث و قرآن و ملتزم به دین و نماز می‌داند: «أقضي-أغلب وقتي بعد الدرس في خدمة الملاي و المصلين، أحفظ القرآن الشعر، أحفظ ثلث الأحاديث التي جاءت الكافي، ودارس للشروح التي وضعها العلامة المجلس» (همان: ۴۶۷-۴۶۹).

عبداللطیف شخصیتی است که عاشق زن و پول و دریاست، این ویژگی خود را اینگونه توجیه می‌کند: مسقط همیشه غارت می‌شود، گاه دزدان از درون، گاه از بیرون، گاه از داخل کشور، آن را محاصره می‌کنند، وارد می‌شوند و هر چیزی را که سر راهشان است به تاراج می‌برند (همان: ۲۴۵).

وقتی رمان دلشاد را می‌خوانی با احساسات خنثی کنار نمی‌نشینی و اتفاقات را تماشا می‌کنی، نه، به سرعت طرف می‌گیری و درگیر عشق و همدردی می‌شوی. اما حلیمه دلسوز را تا حد توانش دوست خواهید داشت و همچنین عیسی عبدالرسول نیز مورد علاقه شما خواهد بود. مریم جایی در قلب شما خواهد داشت که باعث می‌شود از غم او غمگین می‌شوی، از شادی او خوشحال می‌شوی و به خاطر یا بی دلیل در موقعیت‌های مناسب و نامناسب با او می‌خندی، این یک حرکت ژنتیکی است که از پدرش دلشاد به او رسیده است که خنده‌هایش با گذشت زمان محو شد. در نسل جدید، طراحی بشری خلفان از شخصیت قاسم را دوست خواهید داشت که در همه چیز متفاوت است، او عاشقی خاموش است که چیزی نمی‌گوید، در حالی که فریده یک قهرمان سینمای بی‌نقص است.

تناسب نام «دلشاد» با نقش او در زنجیره رویدادهای رمان، نشان‌دهنده رویکرد هدفمند نویسنده در نام‌گذاری است. این نام، نوعی کنایه پنهان را نیز در خود دارد؛ گویی شادی دلشاد، واکنشی انسانی در برابر گر سنگی و محرومیت

است. از این رو، نام شخصیت اصلی با مفهوم کلی عنوان رمان، یعنی سیره الجوع و الشبع، ارتباطی درونی برقرار می‌کند و یکی از دو قطب معنایی «زیستن در فقدان» را نمایندگی می‌کند.

نام «دلشاد» در نگاه نخست، حامل بار معنایی مثبت و دلالت‌گر شادی، سرزندگی و امید است. این معنا در تقابل آشکار با فضای مسلط رمان، که آکنده از فقر، گرسنگی و رنج است، قرار می‌گیرد. همین تضاد معنایی، نام دلشاد را به عنصری معنادار در ساخت شخصیت تبدیل می‌کند. دلشاد نه صرفاً یک فرد، بلکه نمادی از مقاومت در برابر شرایط سخت زیستی است؛ شخصیتی که شادی او بیشتر حالتی درونی و آرمانی دارد تا بازتابی از واقعیت عینی زندگی‌اش.

۴) نتیجه

پژوهش حاضر با تمرکز بر بررسی نام شخصیت‌ها در رمان سیره الجوع و الشبع (دلشاد) اثر بشری خلفان، کوشید تا نقش نام‌گذاری را به‌عنوان عنصری معنازا و نشانه‌شناختی در ساختار روایی و دلالتی اثر تبیین کند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نام شخصیت‌ها در این رمان نه انتخاب‌هایی تصادفی، بلکه حاصل فرایندی آگاهانه و هدفمند از سوی نویسنده‌اند که بافت اجتماعی، تاریخی و فرهنگی روایت را بازتاب می‌دهند و در پیوندی تنگاتنگ با نقش شخصیت‌ها و زنجیره کلی رویدادهای داستانی قرار می‌گیرند.

بررسی ریشه‌شناسی نام‌ها نشان داد که بسیاری از اسامی شخصیت‌ها حامل بارهای معنایی، فرهنگی و هویتی هستند که با جایگاه اجتماعی، کنش روایی و سرنوشت آنان همخوانی دارد. این نام‌ها، از طریق تنوع آوایی و خاستگاه‌های زبانی متفاوت، بازتاب‌دهنده چندگانگی قومی و زبانی جامعه مسقط‌اند و به ایجاد چندصدایی در متن کمک می‌کنند. بدین ترتیب، نام‌گذاری به ابزاری برای بازنمایی تفاوت‌ها، تقابل‌ها و همزیستی فرهنگی بدل می‌شود و نقش مهمی در واقع‌نمایی فضای رمان ایفا می‌کند. از منظر نمادپردازی، نتایج پژوهش نشان داد که نام شخصیت‌ها در بسیاری موارد واجد دلالت‌هایی فراتر از سطح فردی هستند و به نشانه‌هایی اجتماعی و گاه اسطوره‌ای تبدیل می‌شوند.

این دلالت‌ها در تعامل با عنوان رمان، یعنی سیره الجوع و الشبع، معنا می‌یابند؛ به گونه‌ای که مفاهیم گرسنگی و سیری نه تنها وضعیت مادی شخصیت‌ها، بلکه حالات روانی، عاطفی و وجودی آنان را نیز دربرمی‌گیرد. نام شخصیت‌ها در این چارچوب، بیانگر تجربه‌های زیسته‌ای چون فقر، محرومیت، امید، بقا و شکست‌اند و در مسیر روایت، به تدریج بار نمادین خود را آشکار می‌سازند.

همچنین مشخص شد که تناسب میان نام شخصیت‌ها و نقش آنان در روند رویدادها، به انسجام ساختاری رمان کمک کرده و ارتباطی پویا میان سطح زبانی و سطح روایی برقرار ساخته است. نویسنده با بهره‌گیری از نام‌گذاری هدفمند، توانسته است پیوندی معنادار میان فرد و جامعه ایجاد کند و از طریق سرنوشت شخصیت‌ها، تصویری کلی از تحولات اجتماعی و تاریخی ارائه دهد. در نتیجه، نام‌ها به عناصری فعال در پیشبرد روایت تبدیل شده‌اند که هم در شکل‌دهی شخصیت‌پردازی و هم در تعمیق لایه‌های معنایی متن نقش دارند.

در مجموع، این پژوهش نشان می‌دهد که رمان دلشاد با تکیه بر نظامی منسجم از نام‌گذاری شخصیت‌ها، الگویی موفق از بهره‌گیری نشانه‌شناختی از اسم‌ها در روایت معاصر عربی ارائه می‌کند. تحلیل نام شخصیت‌ها امکان درک عمیق‌تری از ساختار معنایی اثر، جهان‌بینی نویسنده و ارتباط میان زبان، هویت و روایت را فراهم می‌آورد و می‌تواند زمینه‌ساز پژوهش‌های آتی در حوزه نشانه‌شناسی ادبی، مطالعات هویتی و تحلیل رمان‌های معاصر عربی باشد.

منابع و مأخذ

- أحمد، سامية، (١٩٨٨م). «الشخصية المسرحية»، عالم الفكر، ج ٨، ع ٤، صص ١٠١٩ - ١٠٩٠.
- الأشلم، حسن أحمد على. (٢٠٠٦م). الشخصية الروائية عند خليفة حسين مصطفى. ط ٦. القاهرة: مجلس الثقافة العالم القاهرة.
- بحراوي، حسن، (٢٠٠٩م). بنية الشكل الروائي، الفضاء، الزمن، الشخصية، الدار البيضاء: المركز الثقافي العربي.
- براهني، رضا. (١٣٧١). طلا در مس: بررسی و نقد ادبیات داستانی. تهران: انتشارات زمان.
- بشری، خلفان. (٢٠٢٢م). دلشاد: سیرة الجوع والشبع. ط ٣. عمان: تكوين.
- بنكدار، سعيد. (٢٠٠٣م). سمیولوژیة الشخصیات السردیة: رواية الشارع والعاصفة لحنا مینة نموذجا. عمان: دار مجدلاوي.
- بوداب، سعیده، (٢٠١٥م). «سیمیائیة الشخصیة فی رواية إصرار لبوشعیب الساوری»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه العربی بن مهیدی، الجزائر.
- حمدان، عبدالرحیم. (٢٠١١م). بناء الشخصية الرئيسية في رواية "عمر يظهر في القدس" للروائي نجيب الكيلاني. الجامعة الإسلامية. غزة.
- الربيع، آمنه، (٢٠٢٢م). رواية «دلشاد» لبشری خلفان، مسابقة مراجعات تكوين ٦، عمان: تكوين.
- طاهري نيا، علي باقر؛ شبستري، معصومه؛ عامري، محمد علي (١٣٩٥ ش). «سیمیائیة شخصیة یوسف (ع) القرآنیة: قراءة بنیویة سیموطیقیة»، مجله دراسات في اللغة العربية و آدابها، شماره: ٢٤، صص ٤٧-٦٨.
- عمیری، صباح (٢٠١٥-٢٠١٦م). «بنیة الشخصیة فی رواية "ولیمة لأعشاب البحر لحیدر حیدر». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه محمد خیزر، الجزائر.
- غفارپور صدیق، نعیمه؛ ایرانی، وحید مبارک محمد (١٣٩٩ ش). در مقاله «کارکرد نشانه‌شناختی نام‌ها در رمان الطریق نجیب محفوظ»، مجله نقد ادبی معاصر، شماره ١٩، صص ١٨٥-٢٠٥.
- القاضي، محمد؛ وآخرون، (٢٠١٠م). معجم السردیات، تونس: دار محمد علی للنشر.
- قسیمون، جمیل، (٢٠٠٠م). «الشخصیة فی القصة»، مجلة العلوم الإنسانية، ع ١١، صص ١٩٥-٢٠٩.
- مرادیان قبادی، علی اکبر (١٣٩٧ ش). «تحلیل نشانه‌شناختی شخصیت‌ها در حکایت ملک عمر نعمان»، مجله زبان و ادبیات عربی، شماره 18، صص ٢٤٩-٢٧٨.
- المیلادی، عبد المنعم. (٢٠٠٦م). الشخصیة وسایاتها. القاهرة: مؤسسة شباب الجامعة.
- النعمی، فیصل غازی، (٢٠٠٩م). العلامة والروایة، دراسة سینمائیة فی ثلاثیة أرض السواد لعبد الرحمان منیف، عمان: دار مجدلاوي.
- وهبه، مجدی؛ والمهندس، کامل، (١٩٧٤م). معجم مصطلحات الأدب، بیروت: مكتبة لبنان.

سایت‌ها

- بلال، رمضان. (١٩/١٠/٢٠٢٢). وصلت جائزة البوکر. بشری خلفان. - «رواية "دلشاد" مستوحاة من حكايات مسقط القديمة». <https://www.youm7.com>
- السلیمیة، منی بنت حبراس. (٢٠٢٤م). «دلشاد - بین التخلي والاستئناف، الجوع فی أشكاله المتعددة». <https://www.omandaily.om>
- العانیة، بشری خلفان. (١٩/٥/٢٠٢٢). «نسائی ذکیات صبورات یعاملن الحیاة بضحکة». <https://www.alarab.co.ukD>

References

- Ahlm, H. A. A. (2006). Al-Shakhshiyah al-Riwayah 'inda Khalifah Husayn Mustafa (6th ed.). Cairo: World Culture Council.

- Al-Omania, B. K. (2022, May 19). Nisā'ī Dhakiyyāt Šabūrāt Yu'āmiln al-Hayāh bi-Ḍaḥkah [Intelligent, Patient Women Deal with Life with a Smile].
- Al-Qadi, M., et al. (2010). Mu'jam al-Sardiyyat [Glossary of Narratology]. Tunis: Dar Mohamed Ali Publishing.
- Al-Rabi', A. (2022). Riwayat "Dilshad" li-Bushra Khalfan, Musabaqat Muraja'at Takween 6 [The Novel "Dilshad" by Bushra Khalfan, Takween Review Competition 6]. Amman: Takween.
- Al-Sulaimiyyah, M. B. H. (۲۰۲۴). Dilshad – Bayn al-Takhalli wa al-Isti'naf, al-Jū' fi Ashkālīhi al-Muta'addidah [Dilshad – Between Abandonment and Resumption, Hunger in its Multiple Forms]. <https://www.omandaily.com>
- Amiri, S. (2015–2016). Binyat al-Shakhṣiyah fi Riwayat "Walimah li-A'shab al-Bahr li-Haydar Haydar" [The Structure of the Character in the Novel "A Banquet for the Seaweed" by Haydar Haydar] [Master's thesis, Mohamed Khider University, Algeria].
- Ahmad, S. (1988). Al-Shakhṣiyah al-Masraḥiyah [Theatrical Character]. 'Alam al-Fikr, 8(4), 1019–1090.
- Bahravi, H. (2009). Bunyat al-Shakl al-Riwa'i: Al-Fada', Al-Zaman, Al-Shakhṣiyah [The Structure of the Narrative Form: Space, Time, Character]. Casablanca: Dar Al Ouloum Al Arabiya.
- Bilal, R. (2022, October 19). Waslat Ja'izat al-Būkar: Bushra Khalfan: "Dilshad" novel inspired by old Muscat tales. <https://www.youm7.com>
- Binkdar, S. (2003). Semiyolojiya al-Shakhṣiyat al-Sardiyyah: Riwayat al-Shari' wa al-'Āṣifah li-Ḥannā Minnah Namudhajoan [Semiotics of Narrative Characters: The Novel "The Street and the Storm" by Hanna Mina as a Model]. Amman: Majdlaoui Publishing House.
- Boudab, S. (2015). Semiyaiyat al-Shakhṣiyah fi Riwayat Iṣrār li-Būsha'ib al-Sāwri [Semiotics of the Character in the Novel "Insistence" by Bouchaib El Saouri] [Master's thesis, Arab University of Ben M'hide, Algeria].
- Brahni, R. (1371/1992). Tala dar Mas: Barrasi va Naqd Adabiyat-e Daastani [Gold in Copper: A Study and Critique of Fictional Literature]. Tehran: Zaman Publishing.
- Bushra, K. (2022). Dilshad: Sirat al-Jua' wa al-Shaba' [Dilshad: A Biography of Hunger and Satiety] (3rd ed.). Amman: Takween.
- Ghaffarpour S., N., & Irani, V. M. M. (1399/2020). Kārkar-e Neshāneh-shenākhtī-ye Nām-hā dar Roman-e "Al-Tariq" Najib Mahfuz [The Semiotic Function of Names in Najib Mahfouz's Novel "The Road"]. Majallah Naqd Adabi Moaser, 19, 185-205.
- Hamdan, A. (2011). Bina' al-Shakhṣiyah al-Ra'isiyyah fi Riwayat 'Umar Yazhar fi al-Quds li-l-Riwā'i Najib al-Kilānī [Building the Main Character in the Novel "Omar Appears in Jerusalem" by the Novelist Naguib El-Kilany] [Unpublished manuscript]. Islamic University, Gaza.
- Miladi, A. (2006). Al-Shakhṣiyah wa Simātuhā [The Character and Its Traits]. Cairo: Youth University Foundation.
- Moradian Ghabadi, A. A. (1397/2018). Tahlil-e Neshāneh-shenākhtī-ye Shakhṣiyat-hā dar Ḥekāyat-e Malek Omar Nu'man [A Semiotic Analysis of Characters in the Tale of Malek Omar Nu'man]. Majallah Zabān va Adabiyāt-e Arabī, 18, 249-278.
- Naimi, F. G. (2009). Al-'Alāmah wa al-Riwayah: Dirāsah Sīnamā'iyah fi Thulāthiyat Arḍ al-Sawād li-'Abd al-Rahmān Munīf [The Sign and the Novel: A Cinematic Study of Abd al-Rahman Munif's "Land of the Darkness" Trilogy]. Amman: Dar Majdlawi.
- Qasaimoun, J. (2000). Al-Shakhṣiyah fi al-Qissah [The Character in the Story]. Majallat al-'Ulūm al-Insāniyyah, 11, 195–209.
- Taherinia, A. B., Shabestari, M., & Ameri, M. A. (1395/2016). Sīmiyāyī-yi Shakhṣiyat Yūsuf ('A) al-Qur'āniyyah: Qirā'at Binyawīh Sīmūṭiqīyah [The Semiotics of the Quranic Character of Joseph (PBUH): A Structural Semiotic Reading]. Majallah Dirasāt fi al-Lughah al-'Arabīyah wa Ādābiyāh, 24, 47-68.
- Wahba, M., & Mohandes, K. (1974). Mu'jam Muṣṭalaḥāt al-Adab [Glossary of Literary Terms]. Beirut: Librairie du Liban.